

The Reasons and Backgrounds of Material Life and Economic Transoxiana in the First Centuries of Islam

Ali SalariShadi*

Abstract

Transoxiana has special and diverse characteristics that have led to various types of economic livelihoods and the multiplicity of aspects of its material life. It is inferred from geographical writings and historical sources that this region had a high level of economic life and material livelihood, as well as being famous from a scientific and cultural point of view. Long history of human life and urbanization, existence of many productive villages, nomadic life around it, location in a special geographical position in terms of regional and international trade routes, the existence of numerous rivers, fertile soil, the existence of local government and city-government in The total situation had created a level of individual and social well-being as well as a relatively fair distribution of wealth in the region. It is assumed that the economic and material life of Transoxiana enjoyed a certain prosperity. Now this article intends to examine the various aspects of the economic activity of the diverse transatlantic material life in the interconnected system in order to find out why the issue of high level of material life and prosperous livelihood of the people of this system relies more on primary and primary sources.

Keywords: Transoxiana, material life, livelihood, Sughd, Samarkand, Bukhara Zeravshan River.

* Associate Professor of the Institute of Humanities and Cultural Studies.Tehran, Iran,
alisalarishadi@yahoo.com

Date received: 2022/09/16, Date of acceptance: 2022/12/16



Copyright © 2010, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article. This work is licensed under the Creative Commons Attribution 4.0 International License. To view a copy of this license, visit <http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/> or send a letter to Creative Commons, PO Box 1866, Mountain View, CA 94042, USA.

چرایی و زمینه‌های شکوفایی حیات مادی و اقتصادی ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی

علی سالاری شادی*

چکیده

سرزمین ماوراءالنهر دارای ویژگی‌های خاص و متنوعی بوده است که آن موجبات انواع معیشت اقتصادی و تعدد وجوه حیات مادی‌اش شده است. از نوشته‌های مسالک و ممالک نگاران و منابع تاریخی و قراین و شواهد دیگر استنباط می‌گردد که این منطقه از سطح حیات اقتصادی و معیشت مادی پر رونقی برخوردار بوده است، کما اینکه از منظر حیات علمی و فرهنگی صاحب نام و آوازه بود. حال مسأله این نوشته آن است تا چرایی و دلایل شکوفایی و رونق حیات اقتصادی و حیات مادی ماوراءالنهر را به بحث و بررسی گذارد که چه عوامل و متغیرهایی در شکل‌گیری آن مؤثر افتاده است. لذا این نوشته درصدد است با تکیه بیشتر بر منابع اصلی متقدم وجوه گوناگون فعالیت اقتصادی و حیات مادی متنوع ماوراءالنهر را در منظومه بهم پیوسته مورد بررسی قرار دهد تا چرایی مسأله سطح بالای حیات مادی و معیشت پر رونق مردم این سامان به دست داده شود. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که رونق حیات مادی ماوراءالنهر ناشی از عوامل متعدد، تأثیرگذاری و هماهنگی چون عوامل انسانی و جغرافیایی، ریشه‌های تاریخی، اشتغال تجاری، افکار متساهلانه و همکاری اجتماعی بوده است.

کلیدواژه‌ها: ماوراءالنهر، حیات مادی، سغد، اسلام، تجارت، سامانیان.

* دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران، alisalarishadi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۹/۲۵



۱. مقدمه

ماوراءالنهر از مناطق عمده جهان ایرانی و اسلامی است که جغرافی‌نگارانی آن را جزیبی از خراسان بزرگ شمرده‌اند. موقعیت جغرافیایی ماوراءالنهر به وی جایگاه خاصی عطا کرده بود و اغلب مسیرهای جاده ابریشم از جمله چین، خوارزم، خراسان، هند، تبت، قرقیز، ترک را به هم پیوند می‌داد. گذشته از آن سرزمینی پرمایه و برخوردار از مواهب متنوع بود.

با این توصیف فشرده، بنای این نوشته بر آن است تا زمینه‌ها و دلایل رونق حیات مادی، اقتصادی و معیشتی جامعه ماوراءالنهر را مورد بررسی قرار دهد تا معرفتی از زمینه‌ها و دلایل آن بدست داده شود. با این حال بی‌شک در باره اوضاع ماوراءالنهر مطالعات زیادی صورت گرفته است که سخت ارزشمند است، اما شاید کمتر به زمینه‌ها و عوامل تأثیرگذار آن در یک بررسی همه‌جانبه توجه شده است. در واقع بیشتر توصیف وضع موجود بوده است نه اینکه عوامل و دلایل آن مورد بررسی قرار گیرد. لذا ضرورت طرح چرایی آن وجود دارد. هرچند شاید عواملی که بیان شود با درجه و سطح متنوعی قابل طرح باشد یا شاید محققان دیگر موارد افزون بر آن بر شمارند یا اینکه بعضی از موارد را نه عامل رونق اقتصادی بلکه از جمله موارد آسیب‌قلمداد کنند. نکته مهم و مورد اتفاق این است که ماوراءالنهر از رونق اقتصادی و حیات مادی نسبتاً خوبی برخوردار بوده است. حال سوال اصلی آن است که عوامل و متغیرهای تأثیرگذار کدام است؟

۱.۱ پیشینه پژوهش

درباره وصف اقتصادی ماوراءالنهر نوشته‌های متعدد فراوانی نوشته شده، اما در آن میان کمتر به دلایل و زمینه‌های آن توجه شده است. با این حال از وجه وصفی می‌توان آثار زیادی را بر شمرد. از جمله: تجارت خارجی ماوراءالنهر در دوره سامانیان از حیث زمانی محبوب و همچنین مقاله وی در باره رباط‌های ماوراءالنهر، مقاله اروجی و علی اصغر بروجنی درباره وقف در خراسان و ماوراءالنهر و همچنین در این راستا باید از کتاب محققانه آ. بلتیسکی تحت عنوان خراسان و ماوراءالنهر و عصر زرین فرهنگ ایران از ریچارد فرای و ترکستان نامه بارتولد یاد کرد و همچنین تحقیقات لقمان نعمت اف و نعمان نعمت اف تحت عنوان «کشاورزی و تولیدات معدنی در ماوراءالنهر و خراسان در قرون ۴ و ۳» و «ویژگی‌های ساختار و تولیدات روستاهای ماوراءالنهر در عصر سامانیان در قرون ۴ و ۳» و... می‌توان نام برد. اما مقاله خوب

چرای و زمینه های شکوفایی حیات مادی و ... (علی سالاری شادی) ۱۴۷

واستنادی « شهرهای ماوراءالنهر در دوران سامانیان » از نذیرجان تورسان زاد (۱۳۷۷) و همچنین باید از مقالات ضیایی و عزیزی تحت عنوان «علل گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر تا پایان عصر سامانیان» (۱۳۹۱) و « ابوحنیفه و مرجئه در گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر » (۱۳۹۰) یاد کرد.

۲. ماوراءالنهر: حدود و اقلیم، اهمیت و جایگاه

مسالک و ممالک نگاران عنوان ماوراءالنهر را بعنوان یک مصطلح مشهور تاریخی و جغرافیایی برای توصیف میانه دو رود جیحون و سیحون مکرر بکار برده اند. آن دو رود بصورت موازی با هم از حوالی سرچشمه های آن، از نواحی بدخشان تا مصب خوارزم را در بر می گرفت. این منطقه در دنیای قبل از اسلام به سغد معروف بود که بخش عمده اصلی ماوراءالنهر را تشکیل می داد که بیشتر تحت تأثیر جریان های تاریخی از جمله فتوحات اعراب مسلمان قرار گرفت (فرای، ۱۳۷۵: ۱۴۲).

مسالک و ممالک نویسان حدود و اقلیم ماوراءالنهر را با اختلافاتی بیان کرده اند. مؤلف حدود العالم آن را چنین وصف کرد: «ناحیتیست کی حدود مشرق وی حدود تبتست، وجنوب وی خراسان است و حدود خراسان و مغرب وی غوزست و حدود خلخ، و شمالش هم حدود خلخ است» (حدود العالم، ۱۳۶۲: ۱۰۵). او بیش از صد ناحیه، شهر و شهرک بزرگ و کوچک از جمله بخارا، سمرقند، بیکنند، ترمذ، چغانیان، اسروشنه، خجند، بدخشان، فرغانه و... را در ذیل آن می آورد (همان، ۱۰۵-۱۱۸). اصطخری نیز تا حدی چنین محدوده انگاری را نگاهشته است (اصطخری، ۱۳۶۸: ۲۲۶ به بعد). عده ای مانند یعقوبی و ابن رسته ماوراءالنهر را جزئی از خراسان شمرده اند (یعقوبی، ۱۳۷۱: ۵۸؛ ابن رسته، ۱۳۶۵: ۹۰ به بعد) گویا یاقوت حموی نیز چنین نظری دارد (یاقوت حموی، ۱۳۹۷ ق: ج ۴۵/۵). اما اعراب عنوان ماوراءالنهر را به آن سوی جیحون اطلاق کردند (یاقوت حموی: ۴۵/۵).

لسترنج، ماوراءالنهر را به پنج قسمت سغد، خوارزم، چغانیان، بدخشان و فرغانه تقسیم نمود (لسترنج، ۱۳۷۷: ۴۶۱ به بعد). با این حال اغلب جغرافی نگاران مسلمان منطقه خوارزم را، علی رغم پیوند وبستگی با ماوراءالنهر، منطقه ای مستقل شمرده اند (یاقوت حموی: ۴۵/۵) که مبنای این نوشته هم بر آن است.

نواحی مختلف ماوراءالنهر بخاطر ساختار منطقه و موقعیت یک واحد سیاسی محسوب نمی شدند، بلکه بیشتر واحدی جغرافیایی و اقتصادی - بازرگانی بود. بطور مثال هنگامی که قتیبه با

منجنيق سمرقند را سنگ باران نمود. غوزک حاکم سمرقند با دیدن سربازان بخارایی و خوارزمی در گرداگرد شهر، خطاب به قتیبه گفت به کمک برادرانم و اهل خانه ام از مردم عجم با من جنگ می کنی؟» (طبری، ۱۳۶۲: ۳۸۵۸/۹). شهرهای بزرگ سغد اغلب استقلال خاصی داشتند و تقریباً تابع حکومت هایی نبودند و هرچند در معرض حملات اقوام مهاجم بیابانگرد یثوچی ها، سکاها، هفتالیان و ترکان قرار می گرفتند. در مراکز تجاری، دولت - شهرهای سغد که کمتر زیر سلطه فرمانروایی خود کامه بود، سیاست اعتدال و آزادی دینی چنان رعایت می شد که پیروان آیین های بودایی، مسیحی، نستوری، مانوی و زردتشتی با رنگ محلی خود توانستند آزادانه تبلیغ کنند (قریب، ۱۳۷۶: ۲۷۳).

مسالک و ممالک نویسان در دنیای پهناور اسلامی سه منطقه را بر دیگران برتر نهاده اند. ابن حوقل می نویسد: «باصفا ترین جاهای دنیا سغد سمرقند، نهر ابله و غوطه دمشق است» (ابن حوقل: ۲۰۱). اما او سغد سمرقند را برتری می نهد (همان: ۲۰۲) و سغد را یکی از جنات اربعه شمرده اند (اصطخری: ۲۲۶؛ ابن حوقل، ۲۰۲؛ یاقوت: ۴۸ / ۱) ابن حوقل که ماوراءالنهر را سیاحت کرده بود، بعد از توصیفی رؤیایی آن با هیجان می نویسد: «اینجا بهترین بلادی است که خدا آفریده» (ابن حوقل: ۲۰۲).

اما ثروت و مکنت و حیات مادی پر رونق اقتصادی ماوراءالنهر مورد تأیید محققان گذشته و حال بوده است. بارتولد این ناحیه را همیشه حاصلخیزترین و پرجمعیت ترین بخش ماوراءالنهر نامیده است (بارتولد، ۱۳۶۶: ۱/۲۰۳). ماوراءالنهر از مناطق متمول و متمکن و برخوردار از ثروت فراوان بود و وجود رباطها و کاروانسراهای متعدد و عمارات وقفی و خیرات و مبرات سخاوتمندانه و فراوان آن حاکی از آن است (اصطخری: ۲۲۶). اکثر مسالک و ممالک نویسان سرزمین ماوراءالنهر را بخصوص منطقه سغد و دو شهر معروف بخارا و سمرقند را به وفور نعمت و ثروت ستوده اند. این شامل روستاها نیز بود، بگونه ای که می توان گفت بخاطر موقعیت جغرافیایی و وفور آب، ثروت تا حدی عادلانه توزیع شده بود. ابن حوقل می نویسد: «ماوراءالنهر در سراسر دنیا به فراخی نعمت و صفا و پر برکتی و خرمی معروف است» (ابن حوقل: ۱۹۳؛ اصطخری: ۲۲۶). ماوراءالنهر را از نظر ثروت و مکنت برتر شمرده اند (ابن حوقل: ۱۹۴، ۱۹۷). با توجه به ثروت و مکنت ماوراءالنهر، مردم از معیشت خوبی برخوردار بودند. ثروت ماوراءالنهر را از مثال های تاریخی مانند مقدار ثروت و غنایمی که قتیبه بن مسلم در بیکند از شهرهای حوالی بخارا کسب کرده بود، قابل سنجش است. نرشخی گفته است که چنین ثروتی در سراسر خراسان به دست نیامده بود (نرشخی، ۱۳۶۳: ۶۲). اصطخری تأکید

چرایی و زمینه های شکوفایی حیات مادی و ... (علی سالاری شادی) ۱۴۹

می‌نماید که اگر همه اقالیم دچار قحطی گردند، در ماوراءالنهر کمتر رخ می‌دهد چراکه ذخیره سال گذشته کافی است (اصطخری: ۲۲۷).

۳. چرایی شکوفایی حیات مادی و اقتصادی ماوراءالنهر؟

حال با این اوصاف در اینکه منطقه ماوراءالنهر از حیات مادی پر رونق و اقتصاد شکوفایی برخوردار بود، شکی نیست. حال چرایی و علل این رونق و شکوفایی اقتصادی بالندگی حیات مادی ماوراءالنهر در چیست؟ بی شک عوامل متعددی در آن دخیل بوده اند که گذشته از موقعیت کلی منطقه، باید به زمینه ها و شرایط و علل دیگر توجه کرد که چگونه این موارد با درهم تنیدگی خاصی موجبات ثروت و مکتبی پایدار در آن سامان گردید. بی شک زمینه های و دلایل متعددی در این میان نقش ایفا کرده اند که در مجموع می توان آنها را به دودسته تقسیم کرد. عوامل طبیعی و محیطی یا علل مادی که زمینه ساز اصلی موضوع هستند. دیگر علل تبعی و فرعی (عوامل انسانی و فرهنگی) است که در ذیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت. هر چند درهم تنیدگی موارد بگونه ای است که امکان تفکیک دقیق آن نیست.

۱.۳ عوامل محیطی و مادی

عوامل جغرافیایی، محیطی و تبعات حاصل از آن نقش قاطعی در حیات اقتصادی و زندگانی معیشتی آن منطقه و حتی مناطق همجوار بازی می کند. حال با این وصف، شرایط اقلیمی و محیطی و جغرافیای ماوراءالنهر از چندین وجه و سطح تأثیر قاطعی گذاشته است. از جمله: در وهله اول باید از سرزمین پر آب ماوراءالنهر یاد کرد که نقش قاطعی در سامان دهی و تجمع ثروت و مکتب منطقه ایفا کرده است. رود سیحون و جیحون نقش قاطعی در میزان بهره وری و نخستین عامل رونق حیات مادی آن بوده است. رودهای سیحون و جیحون و نوع مسیر و حرکت آنها به موازات هم در فاصله طولانی از سرچشمه تا مصب، رود زرافشان و شعبات متعدد و مناطق کوهستانی برفگیر و پر آب منطقه همجوار در جنوب شرقی ماوراءالنهر را به یک منطقه آبی تبدیل کرده است. مقدسی می نویسد که شعبات رود جیحون بجز بخش خوارزم شامل بیست و پنج شعبه شاخه است (مقدسی: ۴۱۲/۲، ۴۲۳). رود معروف دیگر ماوراءالنهر رود سغد بود که در منطقه نقش کلیدی بخصوص در زمینه کشاورزی ایفا می کرد. این رود از کوههای بالای چغانیان سرچشمه می گرفت و تا ریگزارهای جنوب غربی بخارا به طول بیش از

یکصد و بیست فرسخ ادامه می‌یافت. در این مسیر طولانی از دهه‌ها جوی و جویبار بزرگ و کوچک نام برده‌اند که مناطق وسیعی از دشت سغد را مشروب می‌ساخت و از عمده موجبات اعتلای و رونق مادی و حیات اقتصادی آن بود (اصطخری: ۲۴۹؛ ابن حوقل: ۲۱۵). شاخه‌ها و جویبارهای منشعب از رود سغد مایه زندگانی و معیشت روستاها و شهرها بودند. آب رود پیش از ورود به شهرها، در بندهای که با چوب مهار شده بودند به حوض‌ها و حوضچه‌های اطراف شهرها برای ذخیره هدایت می‌شدند (مقدسی: ۴۸۵/۲-۴۸۶؛ ابن حوقل: ۲۲۲-۲۲۳؛ اصطخری: ۲۴۰-۲۴۱).

سرزمین سغد در حد فاصل دو رودخانه سیحون و جیحون قرار دارد که با چند رودخانه دیگر از جمله رود سغد (زرافشان) و رود کشکه دریا (گازران) مشروب می‌گردید. این رودها و بخصوص رود سغد به موازات جیحون که گاهی دریاچه‌هایی را ایجاد می‌کردند با پیچ و خم خود سرزمین سغد را مشروب و بارور می‌ساختند. در حوالی و ناحیه بخارا و خارج از آن و همچنین سمرقند و حوالی آن، دهها رود بزرگ و کوچک جریان داشت که موجبات آبادانی و محصولات فراوان بود (اصطخری: ۲۴۰ به بعد). در مجرای اصلی رود سغد (زرافشان) برای جریان آب در کانالها سدهایی را احداث کرده بودند که وارد شهر بخارا و بیکنند می‌شد. سیستم عظیم آبیاری رودسغد از شرق سمرقند در محل روستای ورغسر (رباط خواجه فعلی) آغاز شده بود. آب رود سغد به شعب و کانال مختلفی چون: شاهرود، کرمینه، شاپورکام، هرکن رود، گو، ختفر، سمجان، پی‌کند، دیمون، اروان، نوکند، رامتین، ورخشه، همه، هرمن‌کن هدایت می‌گردید و حفاظت سدها و تقسیم آب را بر عهده اهالی روستای ورغسر نهاده بودند و از آن بابت از پرداخت مالیات معاف بودند (لقمان، ۴۶-۴۷؛ بارتولد، ج ۱/۲۰۵-۲۰۶). بی‌شک ماوراءالنهر از شبکه قدیمی سیستم آبیاری نسبتاً خوبی بصورت طبیعی و مصنوعی برخوردار بود که کیفیت و جزییات آن در دست نیست (بارتولد: ۲۱۷/۱-۲۱۹). در بخارا و حوالی آن شبکه بزرگ از کانال‌ها و جوی‌های آبی و سیعی ایجاد شده بود. ابن حوقل شرحی نسبتاً مفصل از نحوه آبیاری بخارا و سمرقند و حوالی آنها به دست داده است (ابن حوقل، ۲۱۱-۲۱۵). هر چند گاهی مسأله کم آبی نیز بروز می‌کرد، از جمله در خلافت معتصم ساکنان ولایت چاچ بخاطر کم آبی از خلیفه برای حفر کانال استمداد طلبیدند که وی با اختصاص دو میلیون درهم از خزانه در ایام ولایت یحیی بن اسد سامانی موافقت کرد و در حفر کانال هزینه گردید (لقمان: ۴۷).

سرزمین پرآب ماوراءالنهر سابقه طولانی در امر زراعت داشت و یکی از مهمترین فعالیت مردم آن سامان شغل کشاورزی بود. براساس ادعای باستانشناسان، قدمت دیرینگی سکونت در سغد به عصر پارینه سنگی می رسد (فرامکین، ۱۳۵-۲۰۲، ۲۹). سرزمینی که هیچ موضعی از آن خالی از شهر، قریه، آب، کشتزار و چراگاه نیست (یاقوت حموی: ۴۶/۵)، در همه ماوراءالنهر هیچ موضع خالی نیست، بعضی دهها و شهرها بعضی زراعت دیم بعضی مرغزار (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۷۷). کشاورزی ماوراءالنهر از رونق خاص و متنوعی برخوردار بود. اقتصاد کشاورزی پایه و اساس سایر فعالیت های اقتصادی است. بیشترین پایه ثروت ماوراءالنهر بر کشاورزی بود. از طرفی فشار ناشی از افزایش جمعیت شهرهای بزرگ در ماوراءالنهر ضرورت تهیه مواد غذایی را بیشتر می کرد و به همان نسبت رشد جمعیت روستایی باعث شد تا بسیاری از فرزندان کشاورزان وادار گردند تا در پی مالکیت احیای زمین های بایر بر آیند. تأسیسات آبیاری مردم را به زمین هایی کشاند که در امتداد انشعابات فرعی و مرزهای سفلاهی جیحون و در زمینی های پشت واحه های بزرگ واقع بودند (واتسون، اندرو ام، ۱۳۷۴: ۱۸۴). اشپولر توسعه کشاورزی در منطقه را با افزایش جمعیت و تغییر کاربری تبدیل جنگل ها به مزارع را با هم مرتبط دانسته است (اشپولر: ۱۹۶/۲). از این رو، بخاطر مرغوبیت زمین کشاورزی در ماوراءالنهر قیمت آن «بالا بود» (بارتولد: ۲۵۶/۱).

روستا های پرمایه و محصولی در ماوراءالنهر وجود داشت. از جمله مقدسی در وصف روستا اوفر می نویسد بیشتر کشت هایش دیم است. دیه های بسیار با مردمی دام دار. گویند سالهایی که غلاتش کامل به دست آید، سغد و بخارا را تا دو سال تأمین کند (مقدسی، ۴۰۹/۲). ابن حوقل نیز از قرای آباد با میزان بازدهی صد برابر یاد کرده است که در صورت رفع آفت، محصولات آن تمام سغد را کفایت نماید (ابن حوقل، ۲۲۶). میزان تولید میوه در اسروشنه، چاچ و فرغانه بحدی بود که تغذیه چهارپایان می گردید (ابن حوقل، ۱۹۴؛ اصطخری، ۲۲۷). تاکستان های روستای درغام و روستاهای اشروسنه آوازه ای داشتند (همان، ۴۸). مقدسی درباره روستاهای بخارا می نویسد که دیه های آن از بسیاری شهرها بزرگتر است و همچنین از روستاهای پرمایه و محصول سرزمین سغد و حوالی سمرقند یاد می کند (همان). بعضی از این روستاها بسیار بزرگ و با وسعت زیاد بودند. درازای روستای اتیخن را پنج مرحله و پهنایش را یک مرحله نوشته اند که باور کردنی نیست و به همان نسبت از نعمت و آبادانی آن یاد کرده اند (همان، ج ۲/۴۰۴؛ حدود العالم: ۱۰۷؛ اصطخری: ۲۵۳-۲۵۴). ابن حوقل و مقدسی از روستاهای پرمحصول و میوه سغد یاد می کند (نک: ابن حوقل: ۲۲۴-۲۲۷؛ مقدسی: ۳۸۶/۲).

همانگونه که گذشت منظور از روستا مجموعه ای از قرای، قلاع، کاخ، مرغزار، آبادی ها بود، این مطلب دقیقاً از نوشته ابن حوقل وقتی که روستای مایمرغ را وصف می کند، استنباط می گردد (ابن حوقل : ۲۲۴-۲۲۵).

گذشته از کشاورزی پر رونق ، باید از پدیده دامداری در مناطقی از ماوراءالنهر و همچنین مناطق عشایر نشین همجوار یاد کرد که خود مایه مکنت پرشماری بود. در مناطق کوهستانی و بیابان های همجوار دامداری با گله های بزرگ گوسفند و بز و گاو و تعداد فراوانی اسب ، الاغ ، قاطر، شتر و... جریان داشت (حدود العالم ، همان ، ۱۰۹ ، ۱۱۲ ، ۱۱۷). ۱۱۷؛ ابن حوقل ، ۲۰۱). جیهانی هم می نویسد که چهارپایان از گوسفند، گاو ، خر، استر و شتر چندان است که کفایت آنها بنماید (جیهانی، همان، ۱۷۸). ابن حوقل می نویسد که در چاچ (شاش) و فرغانه یک رعیت در حدود صد تا پانصد و دو هزار رأس چارپا دارد و از امرای سلطان هم نیست و همچنین تأکید می کند که مجموع شتران کاروان حاجیان ماوراءالنهر از دیگر نواحی بیشتر است (ابن حوقل، ۱۹۷).

اقتصاد ماوراءالنهر چند وجهی بود، به این معنا که گذشته از مسیر جاده ابریشم که نوعی شرایط و الزامات صنعتی را ایجاد می کرد، وجود قبایل چادر نشین در صحاری اطراف آن نوعی مناسبات اقتصاد کوچ نشینی را هم رقم می زد که باعث فعالیت صنعتی بیشتر بود، تا جایکه باید تأکید کرد که تولیدات این مناطق چند منظوره بود یعنی مورد نیاز صحرائنشینان و شهرنشینان و حتی بازرگانان بود. مثلاً در سمرقند این موارد تولید می گردید: دیگ های مسین بزرگ، قمقمه (آب)، خیمه، رکاب، لگام و تسمه زین چرمین و... (مقدسی: ۴۷۶/۲) که اغلب مورد نیاز چادر نشینان و بازرگانان بود. در نهایت، مسالک و ممالک نویسانی چون ابن حوقل به سه شیوه زندگانی و معیشتی شهری، کشاورزی، و دامداری در ماوراءالنهر اشاره می کنند (ابن حوقل : ۱۹۴). سه شیوه ای که همدیگر را در یک مناسبات وسیع اقتصادی- صنعتی و تولیدی تکمیلی می کردند.

۲.۳ راهها، شهر نشینی و بازرگانی

راهها همیشه در حیات مادی و اقتصادی نقش خاصی ایفا کرده اند و یکی از مهمترین عوامل تولید و توزیع ثروت بوده اند. از این منظر ماوراءالنهر موقعیت منحصر بفردی داشت. راهها و مسیرهای تجاری ماوراءالنهر از مهمترین شاهراههای تجاری دنیای سستی در مسیر رفت و برگشت چین، تبت ، قرقیز ، هند و دنیای ترک ، سایر مناطق ایران و خاورمیانه و

مدیترانه، آناتولی و از طرفی به خوارزم و سرزمین خزران، روس و شرق اروپا بود. اگر حمل بر اغراق نشود، راههای ماوراءالنهر، صحنه گردان و قطب تجارت جهانی بخصوص قرون نخستین اسلامی بود. مناطق عمده تجاری و بازرگانی گویی ماوراءالنهر را دایره وار در میان گرفته بودند. محصولات و تولیدات متنوع و متعدد شهرهای ماوراءالنهر از جمله سمرقند حکایت از این مرکزیت تجاری و مواصلاتی داشت (نک: مقدسی: ۴۷۶/۲-۴۷۷). در این میان جاده ابریشم نقش خاصی را ایفا می کرد. جاده ابریشم از چین به تورفان و از تورفان به کاشغر و از آنجا راه به چند قسمت می شد و به خراسان و ماوراءالنهر می رسید. در ماوراءالنهر به جهات اربعه منشعب می گردید. ماوراءالنهر تقاطع راههای هند، خراسان، خوارزم و چین بود. مسالک و ممالک نویسان، راههای ماوراءالنهر را به تفصیل و گاهی با جزئیات در جهات مختلف وصف کرده اند (ابن حوقل ۱۳۶۶: ۲۴۰ به بعد؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۴۹۹/۲).

سرزمین سغد در قلب ماوراءالنهر از قدیم الایام به سرزمین بازرگانی و تجارت مشهور بود. اشپولر می نویسد که سغدیان تاجرپیشگان مشهور و با سابقه ای بودند (اشپولر: ۱۳۷۳، ۲۲۰/۲). سغدیان بودند که در قالب بازرگانی نخستین بار نام ایران را در دوره ساسانیان به چین رساندند (خلیلی پور: ۱۳۹۵، ۶۴). شغل و شیوه غالب معیشت در سغد تجارت بود و آنها بخاطر موقعیت جغرافیایی مناسبات و وسیع تجاری با چین داشتند که به قبل از میلاد باز می گشت، بازرگانانی از سغدی برای تقدیم هدایا راهی دربار سلسله هان شدند (قریب: ۲۷۴).

در دوره سامانی، سازمان تجاری پیشرفته ای ایجاد گردید (ریچارد فرای، ۱۳۴۸: ۱۰۷؛ باسورت: ۳۱) تجارت با چین رونق خاصی یافت و یکی از دروازه های سمرقند دروازه چین نام گرفت (اصطخری، ۳۳۸؛ ابن حوقل: ۲۱۹). چینیان کالاهای فراوانی از جمله مواد ابریشمی، مشک، ظروف چینی، کاغذ عالی، دارچین، کافور، آینه، سوهان، فولاد و... به ماوراءالنهر و از آنجا به سایر مناطق جهان صادر می کردند و بازرگانان سغدی واسط تجارت چین و بغداد بودند که به چین اسب و کالایی چون شیشه صادر می کردند (فرای، همان: ۱۰۴). همچنین ماورالنهر از نوعی مبادله پایاپای با سرزمین ترکان که بیشتر چرم و پوستینه بود، برخوردار بود که آن را تجارت خاموش نامیده اند (اشپولر: ۲۲۲/۲؛ مقدسی: ۴۷۶/۲؛ اصطخری: ۳۰۸). سغدیان با هند نیز بسان چین ارتباط تجاری خاصی داشته اند (قریب: ۲۶۵) به بعد. از سنگ نیشته های سند علیا چنین نتیجه گیری کرده اند که سغدی ها انحصار بازرگانی قاره آسیا را نه تنها در راههای شرق به غرب (چین به سغد و تا روم)، بلکه در راههای شمال به جنوب (سغد به هند و هند چین) به مدت چند قرن از (قرن چهارم تا دهم میلادی) در

اختیار داشتند (قریب: ۲۶۷). وجود شهرهای بخارا، سمرقند، بیکند و دهها شهر بزرگ و کوچک دیگر در ماوراءالنهر نشان از وجود ملموس و قوی شهرنشینی و به تبع آن صنعت و تجارت بود. سمرقند مرکزیت تجاری و محل اجتماع بازرگانان ماوراءالنهر و سایر مناطق بود تا اینکه امیر اسماعیل پایتخت را بخارا قرار داد (اصطخری: ۳۱۶-۳۱۷).

سمرقند نقش چشمگیری در تجارت جاده ابریشم ایفا می کرد و در قلب و مرکز آن قرار داشت. بی سبب نیست که شهر سمرقند را در زبان سغدی به معنای شهر گنج گفته اند (میر عابدینی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). شهر سمرقند همیشه به تجارت معروف بوده است. مقدسی بر قدمت، ثروت و تجارت دور (منظور چین و هند) سمرقند تأکید می کند (مقدسی: ۴۰۲/۲). جهانی به موقعیت بندری گونه سمرقند اشاره می کند: «سمرقند فُرضه ماوراءالنهر است و مجمع بازرگانان و همه متاع‌ها بدانجا آرند و از آنجه به شهرها برند» (جهانی: ۱۸۷). لسترنج با اشاره به انواع و اقسام کالاها و نقاط جهان در سمرقند، آن را بندر بزرگ تجاری ماوراءالنهر نامید (لسترنج، ۴۹۴). اصطخری سمرقند را بار انداز ماوراءالنهر دانسته است (اصطخری، ۲۴۷-۲۴۸) که معنای آن است نوعی بورس حمل و نقل و ترابری می باشد. همانگونه که آمد، منابع از وضعیت اقتصادی مطلوب سمرقند در قرون نخستین اسلامی تا حمله مغول یاد کرده اند. در حالیکه ابن بطوطه در دوره مغولان از غالب ویرانی‌های سمرقند حکایت می کند که نشان از گذشته ای آباد داشت (ابن بطوطه، ۱۳۷۰: ج ۱/ ۴۵۶). با این همه اوج ترقی سمرقند از قرن هفتم میلادی (عصر اسلامی) به بعد بود که از نظر تجارت توسعه فوق العاده ای یافت. مناسبات تجاری نزدیک سمرقند با چین در حدی بود که تحت نفوذ فرهنگی آن نیز قرار داشت. عکس آن در چین اغلب مهاجران بزرگ سغدی که بیشتر از طریق تجارت به آنجا رفته بودند، شکل گرفته بود (قریب، ۲۵۸ به بعد).

از دیگر شهرهای معروف سغد و همتای سمرقند، بخارا را باید نام برد که بی نیاز از توصیف است. در وجه تسمیه بخارا آن را منسوب به علم و دانش و معبد دانسته اند (جوینی، ۱۳۹۱: ۱۷۶-۱۷۷). نرشخی می نویسد بخارا نام‌های بسیاری دارد و از همه معروفتر بخارا است که به حدیثی فاخره است (نرشخی، ۱۳۶۳، ۳۰). اگر چه شاید سمرقند مشهورتر از بخارا به نظر می آید، اما معروفیت بخارا بخاطر آن است که پایتخت سامانیان بوده است. مقدسی در باره برتری و عدم برتری سمرقند و بخارا بر یکدیگر مطلبی مفصل دارد که گویا سمرقند را برتر می داند (مقدسی: ۲/ ۳۸۹ به بعد). تمول و ثروت بخارا همان بس که نرشخی میزان مالیات بخارا و توابع را در عهد سامانی یک میلیون و صد و شصت هزار درهم نوشته است (نرشخی: ۴۷) که

رقم فوق العاده ای است. شمار کاخ های زیادی که در بخارا در زمان های مختلف ساخته شد، بسیار زیاد بود (بارتولد، ج ۱ / ۲۵۹) که حاکی از ثروت و مکننت شهر و سرخوشی و سرزندگی بود.

علی رغم شهرت عام بخارا، توابع آن بیشترین نقش را در تجارت ایفا می کردند. از جمله شهر بیکند از توابع بخارا اغلب بازرگان بودند و تجارت با چین در دست آنها بود که ظاهراً تجارت پر منفعتی بود چرا که « بغایت توانگر» بودند (نرشخی: ۲۶، ۶۲-۶۳). طبری شهر بیکند را شهر بازرگانان می نامد (طبری، ۱۳۶۲، ج ۹/۳۸۱۰). در فتح بیکند در سال ۸۷ق از پنج هزار قطعه ابریشم چینی بعنوان پیشهاد فدیة و عقد صلح یاد شده است (همان، ۹/۳۸۱۱) که حاکی از عمق مناسبات تجاری ماوراءالنهر با چین است.

۳.۳ صنایع و معادن در ماوراءالنهر ودلائل رونق آن

ماوراءالنهر به علل مختلفی از مراکز تولیدات صنعتی دنیای گذشته بشمار می رفت. یکی از مهمترین دلایل صنعتی شدن ماوراءالنهر، همانگونه که گذشت کشاورزی پر رونق آن و محصولات فراوان آن بود که باعث افزایش سطح رفاه زندگانی و در نتیجه نیازمند و متقاضی کالا و خدمات بیشتری بود. از دلایل دیگر آن، توسعه و قدمت شهر نشینی و جمعیت زیاد آن بود. جیهانی بر پر جمعیتی بخارا تأکید می کند که با وجود وسعت از تراکم عمارت بیشتری برخوردار بود که گویی در شهر تنگی احساس می شد (ابن حوقل، ۲۱۱؛ جیهانی، ۱۳۶۸: ۱۸۳-۱۸۴؛ بارتولد: ۱/۲۶۳). از دیگر علل رونق صنایع در ماوراءالنهر می توان به موارد دیگری چون: برخورداری از دانش فنی و علوم عملی، فقدان قدرت استبدادی و طبقاتی، وجود حکومت های محلی و گاهی نظام دولت شهری با تأکید بر دو شهر سمرقند و بخاری، رقابت های محلی آن، قرار گیری در مسیر اصلی جاده ابریشم و راههای جهات اربعه (خوارزم، هند، چین و خراسان)، وجود معادن متعدد و متنوع، و... دانست.

هر شهری در ماوراءالنهر به تولید محصولی شهرت داشت، صنعت نساجی آن پر رونق بود چرا که مملو از مواد خام صنعت نساجی بود. از آنجاییکه ماوراءالنهر از شهر نشینی توسعه یافته ای برخوردار بود، در نتیجه کالاها و مصنوعات هم در شهرهای آن تولید می شده است. از محصولات صنعتی آن باید از کاغذ سمرقندی، کرباس، آهن و... نام برد (ابن حوقل همان، ۲۲۷ به بعد). حداقل کاغذ سمرقندی شهرت جهانی داشته به همه جا صادر می شد (حدودالعالم: ۱۰۷-۱۰۸). عده ای گفته اند اولین کارخانه کاغذ سازی در خارج از چین در سمرقند تأسیس

شد (صادقیان، ۱۳۷۷: ۱۳۷).، نمک سرخ، شهرکش دارای شهرت جهانی و صادر می‌گردید (همان، ۱۰۸). همچنین در بخش هایی از ماوراءالنهر جامه پشمین، پلاس و زعفران قابل تجارت تولید می‌شد (همان، ۱۰۹). بی شک شهرهای ماوراءالنهر در بافندگی و تولید پارچه، برتری خاصی نسبت به سایر مناطق داشتند و پارچه های معروف زندنیچی در واحه بخاری تولید می‌شد که صادر می‌گردید.

در مجموع از شهرهای ماوراءالنهر محصولات و کالاهای مختلفی صادر میشد: از بخارا پارچه های نرم و جانماز و فرش و پوست آهو و غیره. ترمذ و سمرقند جامه ی سمرقندی و دیگهای بزرگ مسین و قمقمه های خوب و چادر و رکاب و لگام و تسمه؛ از شاش زین چرمین نیکو و جعبه و خیمه، چادر و پوستها که از ترکستان آرنند (مقدسی: ۴۷۵/۲-۴۷۶؛ ابن حوقل: ۲۱۷؛ جیهانی: ۱۷۸). جامه های بخاری به شام و مصر صادر می‌گردید. صاحب منصبان و شاهان و شاهزادگان از مشتریان و متقاضیان آن بودند (نرشخی، ۱۳۶۳: ۲۸ - ۳۰). ابن حوقل با اشاره به وجود پشم، ابریشم، مو و... می نویسد که در آن جامه های فراوان تولید می‌گردید که اغلب بیش از حد نیاز بود (ابن حوقل: ۱۹۴).

از مناطق مختلف ماوراءالنهر محصولات فراوانی از جمله پارچه های مختلف و از روستای ربنجن نمدهای سرخ رنگ و سجاده و کاسه های مسین و پوست دباغی، طناب های کنفی، گوگرد، نوعی برنج صادر می‌گشتند. از روستا های ناحیه سمرقند فندق و بادام صادر می‌شد (همان منابع). سنبل سمرقندی بطریق گلاب در شیشیه کرده و محافظت و صادر می‌کردند (هروی: ۲۲۱). از شهرکش، استر، ترنجبین و نمک سرخ به همه دنیا حمل می‌شد. در شهر ترمذ یک صابون بسیار اعلاء و بوریای سبز تهیه می‌شد (حدود العالم: ۶۶). در چاچ تیر، کمان و خدنگ می‌ساختند (حدود العالم، ۱۱۹). اسروشنه، چاچ، فرغانه دارای اسبان خوب و همچنین مو و پشم بسیار بود (اصطخری: ۲۲۷؛ جیهانی: ۱۷۸).

ماوراءالنهر از مناطقی بود که صنایع چینی در آن راه یافت و یا تحت تأثیر آن قرار گرفت (بای شوی ۱۳۷۶: ۶۰). با توجه به آنکه چینیان از قدیم الایام در ساخت کالا و صنایع مختلف مشهور بوده اند. آنها را ماهرترین مردمان در صنایع دستی و ظریفه «کارهای بدیع اندر هر جنسی» دانسته اند (سلیمان تاجر، ۹۸؛ حدود العالم: ۶۰؛ قزوینی: ۶۴/۱-۶۵). لذا تقریباً اغلب کالاهایی که در ماوراءالنهر ساخته می‌شد تحت تأثیر منشأ چینی و از طریق جاده منتقل شده بود که در قالب مصنوعات چون کاغذ، ابریشم و ظروف سفالی بود. تولید سفال در سمرقند موقعیت ممتازی به دست آورد (مبینی و دیگران، ۱۳۹۱، ۸۲). این تأثیر به چند شکل صورت

می گرفت. ابتدا ورود مواد اولیه چینی بود؛ گاهی هم ظروف چینی وارد می شد. فراوانی این دو موجب شد تا در آسیای مرکزی از جمله سغد و سایر مناطق به تولید ظروف بدلی چینی و محصولات سفالی پرداخته شود (مبینی ۱۳۹۱: ۸۱ به بعد).

ماوراءالنهر سرشار از منابع و معادن متعدد بود که قراین باستانشناسی وجود آنها را در کوههای زرافشان و فرغانه نیز تأیید می کند. بزرگترین معادن نقره و سرب معدن منصور بود که در قسمت شرقی ناحیه معدنی قرامزار در حدود جنوب شرقی ماوراءالنهر قرار داشت که از تعداد زیادی معادن بزرگ و کوچک تشکیل یافته بود (نعمت اف، بایمت اف: ۴۹). مورخان و جغرافیا نگاران نوشته اند که در اطراف بخارا کوه و قریه ای بنام درکت بود، این کوه به رشته کوهی بنام بوتم از اطراف بخارا تا سمرقند و اشروسنه و فرغانه کم و بیش امتداد داشت. در این سلسله جبال انواع معادن چون آهن، جیوه، مس، فیروزه و نوشادر (ملحی است جامد و متبلور بی رنگ و بو) و زاج و ذغال سنگ و... وجود داشت (اصطخری: ۳۱۹). در بستر رود زرافشان طلا شویی صورت می گرفت که حاکی از وجود معدن طلا در آن حوالی بود. در سمرقند نیز کوهی بنام کوهک که تا دیوارهای شهر امتداد داشت که از آن سنگ ساختمان و گل کوزگران، آهک، گچ و گوهر آبگینه به دست می آمد (اصطخری: ۳۱۹؛ جیهانی: ۱۸۸). در ماوراءالنهر سنگ آهن وجود داشت که ورقهای آهن گاهی به جای پول نقد دریافت می شد و معدن در بتم از مناطق نزدیک سغد و معدن نمک در کش، در شاش نیز معدن نقره وجود داشت. همچنین فرغانه سرزمین مملو از معادن نوشادر، زاج، آهن، جیوه، مس، سرب، زر و فیروزه، شیشه، سیم، نفت، بوریا، قیر، زغال سنگ (اصطخری: ۲۴۴؛ ابن حوقل: ۲۱۵-۲۱۶)، چراغ سنگ، سنگ پای، سنگ مغناطیسی و داروها بوده است (حدود العالم: ۱۱۲). نوشادر به اغلب مناطق جهان صادر می گشت (اصطخری: ۲۲۷). در کوه های ماوراءالنهر معادن نقره، طلا، داروهای چون زاج، زرنیخ، گوگرد و نوشادر وجود داشته است (حدود العالم، ۱۰۶؛ ابن حوقل: ۲۴۰).

این حجم از معادن نیازمند دانش توسعه یافته ای که آن را استخراج نماید. لذا تکنیک ها و فنونی ابداع گردید. از جمله برای حفر معدن تکنیک هایی از جمله از طریق حفر چاه های عمودی و مایل و همچنین سرباز استفاده می کردند و گاهی عمق حفاری تا ۱۵۰ متر می رسید (نعمت اف، بایمت اف: ۵۰-۵۱) حال در ادامه در مواقع ضروری از آتش برای حرارت و گرم ساختن معدن استفاده می کردند و سپس با استفاده از آب موجبات انبساط و انقباض سنگهای معدن می شدند که باعث خردی آنها می گشت. پس از آن حفاران ابزار و اداواتی چون قلم

های آهنین و چوبین، پتک، چنگک های آهنی و سنگی بیل و... بکار می بردند. جدا سازی سنگ‌ها در داخل معدن صورت می گرفت و با سبد و کیسه های چرمین به خارج منتقل می گردید (نعمت اف، بایمت اف: ۵۰-۵۱). معادن آهن فراوان آن علاوه بر تأمین مایحتاج صنایع فلزی منطقه به سایر مناطق نیز صادر می شد (ابن حوقل، ۱۹۴؛ جیهانی، همان، ۱۷۸). در این میان باید به نقش منابع نقره در اقتصاد و صنعت ماوراءالنهر تأکید خاصی کرد. چرا که آن هم در صنایع و هم در ضرب سکه و پول نقش بارزی داشت. اغلب جغرافیا نگاران از کان ها و معادن نقره ماوراءالنهر یاد کرده اند. از جمله ابن حوقل می نویسد: «معدن های طلا و نقره و جیوه آن فراوان است و هیچ یک از بلاد اسلام از حیث فراوانی به پایه آن نمی رسد، معادن پنجیر هم که به بسیاری این معادن معروف است متعلق به ماوراءالنهر واز مضافات آن است (ابن حوقل، ۱۹۴؛ جیهانی، ۱۷۸). این معادن نقش خاصی در رونق و باروری صنعت و تجارت در ماوراءالنهر داشتند و یکی از پایه های اصلی اقتصادی ماوراءالنهر را تشکیل می دادند.

۴.۳ بازارها

بازارها همیشه خروجی اقتصاد یک مملکت است و میزان، تعدد و حجم کالا و مصنوعات آن نشانگان کلیت وضع اقتصادی می باشد. در مورد ماوراءالنهر بازارها چنان نقش قاطعی دارند که عده ای ثروت ماوراءالنهر را از بازارها شمرده اند. مردم مناطقی از آن همگی بازرگان بودند (نرشخی: ۱۸). ماوراءالنهر از قدیم الایام به داشتن بازارهای دائمی و فصلی شهرت داشت. از بازارهای متعدد اطراف بخاری و سمرقند یاد کرده اند. از جمله بازار شهر اسکجکت در زمستان هر سال به مدت ده روز بر پا می شد و بازرگانان از راه دور و نزدیک به آنجا می آمدند و در آن اغلب مایحتاج عصر عرضه می گردید (نرشخی، ۲۰-۲۱). بازار معروف روستای طواویس بود محل عرضه و فروش اجناس اسقاطی و کهنه بود (ابن حوقل، ۲۱۶). این بازار در سال چند نوبت با حضور ده هزار بازرگان و مردم برگزار می گردید و مردم ناحیه به سبب این بازارها توانگر بودند (حدودالعالم، ۱۰۷ نرشخی:، ۱۸؛ جیهانی، ۱۸۵؛ ابن حوقل، ۲۱۶).

در شاهراه سمرقند به بخارا یکی از معروف ترین بازارها در تیر ماه به مدت ده روز برگزار می گردید. این بازار نیز ظاهراً بازار سقط فروشی (کالا های دست دوم) بود و از مناطق اطراف در آن حضور می یافتند. نوعی بازار بین بین آسیایی بود و هر کس سود هنگفتی از قبل آن می برد و ثروت فراوان مردم از همین بازار بود (نرشخی: ۱۸). نرشخی با تأکید می نویسد

ثروت آنها از این بازار و نه از کشاورزی بود (نرشخی، ۱۸). بازار معروف دیگر راس الطاق سمرقند چنان با عظمت بود که به وصف آید (ابن حوقل، ۲۲۰؛ اصطخری، ۲۴۷).

بازارهای بخارا بسیار بزرگ و پر رونق بود، شهر گویی یک پارچه بازار و در مواقعی شبیه به نمایشگاه کالاها بود (ابن حوقل، ۲۱۷، اصطخری، ۲۴۵). اعراب آن را مدینه التجار می نامیدند (نرشخی، ۳۰). از مشهورترین بازارهای بخارا، بازار ماخ بود که در آن بت نیز خرید و فروش می شد. نرشخی در اهمیت این بازار می نویسد: «به بخارا بازاری بوده است که آن را بازار ماخ روز خوانده اند، سالی دو بار هر باری یک روز بازار کردند و هر باری که بازار بود زیادت از پنجاه هزار درم بازرگانی شدی» (نرشخی: ۲۵). در شهرها و توابع بخارا نیز بازارهای کوچکی به صورت چند روزه برپا می شد که مردمان و بازرگانان اطراف، جهت خرید و فروش به آن بازارها روی می آوردند. بیرونی می نویسد:

سغدیان در روز سوم از ماه ششم سال، عیدی به نام کشمین را جشن می گرفتند. در آن روز در روستای گمجکت بازار روز برپا می کردند. در ماه پایانی سال، بر تعداد بازارها افزوده می شد و بازارهای روز در بسیاری از روستاهای سمرقند برپا می شد (بیرونی: ۲۹۳-۲۹۲).

قدرت و توانایی اقتصادی مردم ناحیه سغد بالا بود (نک: مقدسی، ۴۰۱-۴۰۲). همچنین مقدسی درباره بیکند از توابع بخارا می نویسد «بازاری آباد و جامعی دارد که در محراب آن گوهر کوبی شده است. حومه شهر در زیر آن است که بازار و نزدیک به هزار رباط آباد و ویران دارد» (مقدسی، ۴۰۸/۲). از جمله شهر مرزی اسپیجانب دارای بازارهای بزرگی و مملو از کالا بود که مقدسی در باره آن می نویسد: «چند تیمچه و بازار کرباسیان و جامعی با چهار در دارد، بر هر یک از درها رباطی هست» (مقدسی، همان، ۳۹۳/۲).

بازار یکی از اجتماعی ترین پدیده های جامعه انسانی محسوب می گردد. اغلب در جنب بازارها نهادها و پدیده های مختلف اقتصادی، اجتماعی، رفاهی، مذهبی و فرهنگی شکل می گیرد. تسهیلات رفاهی - خدماتی یکی از این موارد است. در ارتباط با بحث بازار باید از کاروانسراها، رباط ها، مهمان خانه ها و انبارها و ... یاد نمود هر چند این موارد خود بخشی مستقل می تواند باشد اما در هرگونه ذکری از بازار توجه به آنها ضرورت دارد، چرا که رباط ها و کاروانسراها کارکردهای فراوانی اعم از نظامی، صوفیانه، تبلیغی، مسافرتی، تجاری و ... داشتند و گاهی چند منظوره و عام بودند. از این رو، انگیزه ایجاد بناهایی چون رباطها توسط حاکمان، صوفیان، غازیان، تاجران، خیرین و ... متفاوت است. یکی از وجوه بسیار مشهور ماوراءالنهر وجود تعداد پر شماری رباط و کاروانسراها و مهمان خانه، سقاخانه ها با کارکردهای مختلف

بود. یکی از علل تعدد و تراکم چنین مواردی به برخورداری اقتصادی، وجود ثروتمندان متعدد، توانگری عمومی و به تبع آن غلبه خوی و سیرت احسان باید شمرد. ابن حوقل می‌نویسد: «اما بخشش مردم ماوراءالنهر چنان است که گویی همه افراد یک خانه اند و کسی که به خانه دیگری وارد شود گویی به خانه خود در می‌آید» (ابن حوقل، ۱۹۵).

براساس گزارش‌های مقدسی و دیگران در ماوراءالنهر، تناسب و مناسبت خاصی میان رباط‌ها و بازار و بازرگانی و توان مالی مناطق برقرار بوده است، هر جا از بازار و رونق تجارت یاد می‌شود به همان نسبت از رباط‌ها هم ذکری رفته است. بعبارتی تناسبی مستقیم میان آن دو وجود دارد و این نشان از آن دارد که اگرچه اغلب رباط‌ها با هدف جهاد و تبلیغ برپا شده بود اما در مواقعی از آنها استفاده چند منظوره از جمله در امر تجارت و بازارها می‌شد. لذا یک رابطه دوسویه بود که همان بازار و تجارت رباط‌ها باعث حفظ و ماندگاری آنها می‌گردید. ابن حوقل به این مضمون اشاره دارد.

اما غالب توانگران ماوراءالنهر جز عده‌ای کمی از بیکاران و اهل بطالت، ثروت خود را در ساختن رباط‌ها، راهها، و جهاد در راه خدا و موارد خیر و ساختن پل خرج می‌کنند و هیچ شهر یا راهی که آبخشور دارد و یا دهی که جای سکونت است خالی از رباط نیست... شنیده‌ام که در ماوراءالنهر افزون بر ده هزار رباط است (ابن حوقل، همان، ۱۹۶).

از نوشته ابن حوقل استنباط صریح می‌گردد که تمام اقدامات و فعالیت توانگران ماوراءالنهر به نوعی مرتبط با تجارت و بازار است. بهر حال رباط‌های زیادی در اطراف بخارا و سمرقند در شهرهای کوچک و روستاها وجود داشت و اغلب منابع تاریخی و جغرافیایی بر آن تأکید ورزیده‌اند. روند رباط‌سازی در منطقه ماوراءالنهر تا حمله مغول بعنوان یک سنت ادامه داشت.

مقدسی خاطر نشان می‌کند که اسپج‌باز مرزی مهم بود که هزار و هفت صد رباط در آن وجود داشت و بخاطر موقعیت مرزی، خراج نمی‌پرداختند (مقدسی، همان، ۳۹۴/۲). مقدسی و نرشخی به رباطها و تعدد آنها اشاره کرده‌اند (مقدسی، ۴۰۸/۲، ۳۹۳، نرشخی، ۲۵). در واقع هر جا از بازار و رونق تجارت یاد می‌شود، بهمان نسبت از رباط‌ها هم ذکری رفته است. با توجه به اینکه رباط‌ها بیشتر در حوالی شهرهای بازرگانی قرار داشتند، پس بی‌شک رابطه مستقیمی میان میزان تجارت و تعداد رباط‌ها وجود داشت و به همان نسبت نشان از وجود راههای متعدد در مسیر بازارها و رباط‌ها بود. اغلب در جنب بازار از کاروانسرا و رباط هم یاد کرده‌اند. مقدسی از کاروانسرای بزرگ اوش یاد می‌کند که محل استقرار داوطلبان

مرزی بود (همان، ۳۹۲/۲). نرشخی می نویسد که روستا های بیکند دارای رباط اند (نرشخی، همان، ۲۵) که حاکی از آن است که هدف اصلی اهداف نظامی بود، هر چند در ادامه دارای کاربری های دیگری چون تجارت و تبلیغ اسلام نیز بود. مقدسی در حوالی بخاری از چندین رباط مانند رباط کهنه، رباط تاش، ماش و امیر یاد می کند (مقدسی: ۵۰۲/۲-۵۰۳). نرشخی با اغراق از هزار رباط در بخارا و حوالی آن یاد کرده است (نرشخی، ۲۵). ابن حوقل نیز از دهها رباط نام برده است (ابن حوقل: ۱۵۳، ۱۵۹، ۱۷۳، ۱۷۸). او از شخصی بنام ابوالحسن محمد بن حسن یاد می کند که دهها رباط در خراسان و ماوراءالنهر ایجاد نمود که پناهگاه مسافران بود (ابن حوقل: ۱۸۷). ابن حوقل در سغد آثار و بقایای خانه ای دیده بود که اقامت گاه و مهمانسرای با ظرفیتی بود که بیش از صد سال درب آن بسته نشد بود (همان، ۱۹۵-۱۹۶). ابن حوقل ثروتمندان ماوراءالنهر را بر سایر بلاد ترجیح می داد که چنین کارهای نیکی را انجام می دهند. اغلب نویسندگان مسالک و ممالک از تعدد رباط های ماوراءالنهر یاد کرده اند، جیهانی می نویسد که در ماوراءالنهر بیش از ده هزار رباط وجود دارد که از طعام و علوفه رایگان دهند (جیهانی، ۱۳۶۸، ۱۷۹).

گذشته از رباط ها و اقامت گاهها، سقاخانه های زیادی در مناطق مختلف ماوراءالنهر وجود داشت که شهر سمرقند به وجود دو هزار سقاخانه مشهور بود که آب یخ را در حباب های مسی و گاه کوزه های نصب شده در دیوار بصورت خیرات قرار داده بودند (ابن حوقل، ۱۹۶؛ جیهانی، ۱۹۷؛ باتولد، ج ۱ / ۲۲۲-۲۲۳). این حجم از خدمات و تسهیلات و ضروریات در ماوراءالنهر حاکی از ثروت و مکننت اقتصادی آن است. در نهایت مهم اینکه از آنجایی که رباط ها اغلب در مناطق مرزی و در مسیر راهها ایجاد شده بود، بسرعت می توانست تبدیل به بازار و محل تجارت و مبادله کالا گردد. نکته مهم دیگر گویا تنوع کالاهای ارائه شده در رباط - بازارها بخاطر موقعیت جغرافیایی و مکانی بیشتر بود و شاید تا حدی کالا در آنها ارزاتر بود چرا که شاید عوارض ورود و خروج شهرها را نداشت.

۴. عوامل انسانی و فرهنگی

در ماوراءالنهر گذشته از عوامل مادی و محیطی که در فوق به آن اشاره شد، موارد انسانی، اجتماعی، فرهنگی و... نیز نقش خاصی در پیشرفت و توسعه آن داشت که نباید از آن غافل بود. هر چند بخاطر درهم تنیدگی عوامل یاد شده تفکیک ویا تقدم و تاخر آن بسهولت امکان پذیر نیست یا شاید چندان ضرورتی ندارد. از جمله موارد ذیل را در همان راستا باید بر

شمرد که چگونه مثلاً توزیع عادلانه قدرت در کنار توزیع عادلانه ثروت باعث رونق اقتصادی بیشتر آن گردید. حال با توجه به این مقدمه، به زمینه‌ها و علل انسانی، اجتماعی و فرهنگی، رونق اقتصادی و حیات مادی ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی تا حمله مغول توجه خواهد شد.

۱.۴ فقدان کاست و سیستم طبقاتی

برخلاف مناطق دیگری مانند ایران (ساسانی) در ماوراءالنهر کاست و سیستم طبقاتی وجود نداشته است، این عامل هم در بهره‌وری همگانی از امکانات اقتصادی و بدون انحصار خاندانی - طبقاتی و امتیاز حکومتی نقش خاصی ایفا کرده است. محققان گفته‌اند که در آسیای میانه در دوره پیش از اسلام زیر سلطه نظام بسته کاستواره ساسانی نبود و دبیران، روحانیون اعم از مانوی، عیسوی، بودایی و زرتشتی و اهل قلم برابری داشتند (کمبریچ ۴، ۱۲۸). این خلق و خوی تساوی طلبی حتی در دربار شاهان نیز راه یافت بطوری که مقدسی می‌نویسد که یکی از آیین‌های دربار سامانیان آن بود که دانشمندان را به زمین بوس خود واداشت نمی‌کردند (مقدسی، ۴۷۲/۲). نرشخی نیز بر روحیه و رویه مردم گرای امیران سامانی از جمله امیر اسماعیل تأکید می‌کند که چگونه بسان فردی عادی در جامعه حضور می‌یافت (نرشخی، همان، ۶۲).

۲.۴ استقلال محلی - منطقه‌ای

مورد دیگر استقلال محلی مناطق مختلف ماوراءالنهر و فقدان یک حاکمیت انحصاری سیاسی و نظامی در طول تاریخ بود که بنیان‌های اقتصادی را به نفع حاکمیت مصادره نماید و سنت اقتصاد حکومتی و رانتی را ایجاد کند. چنین وضعیتی در شکوفایی اقتصادی تأثیر قاطعی داشته است. اینکه سامانیان در آن سامان به عدالت رفتار کردند در همان بستر پیشین قدم نهادند و حتی آن را با سازکارهای منطقه تقویت نمودند. سامانیان بدون آنکه منافع انحصاری ایجاد نمایند، منطقه پاره پاره ماوراءالنهر را با حفظ تمام موارد پیشین وحدت بخشیدند (کمبریچ ۴، ۱۴۲). فقدان حاکمیت متمرکزی که موجب ایجاد طبقات ممتاز گردد، خود عامل مؤثری در توزیع عادلانه ثروت بود و عکس آن نوعی دولت شهری از مشخصه اصلی حاکمیت سیاسی در ماوراءالنهر بوده است (همان، ۱۲۷). حکمرانی محلی حاکمان همیشه باعث رونق اقتصادی

چرایی و زمینه های شکوفایی حیات مادی و ... (علی سالاری شادی) ۱۶۳

وشکوفایی علمی نیز شده است. حداقل دو تجربه ایران در حکومت های متقارن (طاهریان ، صفاریان ، سامانیان و آل بویه) و در فاصله میان زوال ایلخانان و برآمدن تیمور از جمله حکومت های آل جلایر ، آل مظفر ، ال اینجو و حکومت کورت در هرات نمونه ها بارز آن است. اگر حاکمیت مرکزی را به معنای حاکمیت مطلق و متمرکز بر منابع اقتصادی تعریف شود که دست حکومت مرکزی در هر گونه عمل با منابع مالی و اقتصادی بدون مانعی باز باشد و برای جامعه حقی قائل نشود (حق جامعه نه از سر لطف و ناچاری) و آن را به رسمیت نشناسد، چنین حکومتی را نه حاکمیت متمرکز بلکه حکومت بانندی و انحصار طلبی ظالمانه است. جامعه تحت حاکمیت چنین قدرتی ، امنیتی اقتصادی نخواهد داشت و دنبال روزمرگی نه توسعه و نگاه آینده مدار است. حال به نظر محققان در ماوراءالنهر حداقل تا حمله مغول چنین نظام سیاسی وجود نداشته است (نک: کمبریج ۴، ۱۲۷-۱۳۰). هنر سامانیان این بود که حاکمیت خود را با فرهنگ اجتماعی و میراث تاریخی ماوراءالنهر تطبیق دادند (همان، ۱۳۰) و دنبال انحصار خاص حکومتی نبودند و ضمن تقلید از دیوانسالاری عباسی با تمرکز کمتر با ایجاد مناسبات با دودمان های محلی منطقه، حکومتی باب طبع جامعه ماوراءالنهر را موجب شدند (فرای ، همان ، ۲۱۹-۲۲۰).

۳.۴ سابقه تجارت و تاجرپیشگی ماوراءالنهر

بی شک یکی از مظاهر عمده اقتصادی ماوراءالنهر وجه تجارت و تاجر پیشگی اهالی آن سامان بود که در صفحات پیشین بر آن تأکید شد (نک: صفحات پیشین). این مورد نیز به برابری بیشتر و رونق اقتصادی ماوراالنهر نقش بارزی ایفا کرد. برخلاف ایران ساسانی که دارای سلسله مراتب اجتماعی و طبقاتی منفصل بود ، جامعه ماوراءالنهر بیشتری جامعه سوداگری و داد و ستد بود (کمبریج ۴، ۱۲۸). جامعه سوداگری با استبداد و نظام طبقاتی سازگاری ندارد، لذا جامعه ماوراءالنهر در یک نظام اقتصادی آزاد با حفظ سرمایه و تجارت به رونق اقتصادی منطقه کمک شایانی رساند و اصولاً همانگونه که خاطر نشان شد مردم سغد تاجرپیشگان با سابقه و بین المللی بودند (نک: صفحات پیشین).

۴.۴ روحیه تساهل و تسامح اجتماعی

منطقه ماوراءالنهر از قدیم الایام دارای نوعی آزادی مذهبی بود و بخاطر استقلال فرهنگی و اجتماعی که تحت سیطره سیستم طبقاتی نبود از تساهل دینی و اندیشه ای برخوردار بودند. از این رو در آن منطقه همه ادیان از اعم از مانوی، عیسوی، بودایی و زرتشتی از برابری برخوردار بودند (کمبریج ۴، ۱۲۸). بنابراین ماوراءالنهر برای پیدایش یک جامعه تساوی خواه زمینه بسیاری داشت به همین علت بود که رنسانس ایرانی معروف در آنجا رخ نمود (همان، ۱۲۸). این تساهل و تسامح همواره در سطوح مختلف حاکمیت سامانی بخصوص از منظر اداری بچشم می خورد که جیهانی وزیر دستور داد که رسوم اداری و حاکمیتی جهانیان جمع آوری گردد تا بهترین آن گزینش شود که حاکی بینش و نگرش مترقیانه ای بود.

۵.۴ اسلام و امنیت بازرگانی

در عصر اسلامی که اغلب راهها در تصرف امن حاکمیت یکپارچه مسلمانان قرار گرفت، اهمیت منطقه ماوراءالنهر مضاعف گردید. اشیپولر با اشاره به مرگ قتیبه بن مسلم (سال ۹۶) می نویسد در مورد لزوم تأمین ارتباط جاده قدیم آسیا (جاده ابریشم) تا خراسان همیشه او بعنوان سرمشقی باقی ماند (اشیپولر، ۱۳۷۳: ۵۳/۱). ظهور و بسط اسلام در ماوراءالنهر باعث رونق بیشتر تجارت گردید، چرا که در آن طبقه بازرگانان با پذیرش اسلام نقش خاصی داشتند (فرای، همان: ۱۴۳). تجارت بر اثر توجه حکمرانان مسلمان همچنان فعال تر شد. طبری در حوادث سال ۱۰۴ ق. ضمن بیان درگیری سغدیان و مسلمانان به فرماندهی سعید بن عمروالحرشی می نویسد مسلمانان چهارصد بازرگان که جانشان در خطر بود و کالا و اموال زیادی از چین آورده بودند، نجات دادند (طبری: ۱۳۶۸: ۴۰۳۷/۹). نتیجه اینکه علی رغم درگیری طولانی مسلمانان در ماوراءالنهر، مناسبات بازرگانی با چین در قالب کاروان‌های بزرگ همچنان برقرار بود. فرای معتقد است که ماوراءالنهر از ایالت هایی بود که از امتیازهای بازرگانی و صنعتی که حکومت عباسیان پدیدار ساختند، بهره مند گشت (فرای، ۱۸۴).

۶.۴ فقه حنفی، کلام ماتریدیه و حاکمیت سامانی (مثلث تساهل و اعتدال)

نحوه ورود اسلام به ماوراءالنهر بسان سایر مناطق با ملایمت و مشوقانه صورت گرفت. نرشخی می نویسد بعد از چندین بازگشت، مردم ماوراءالنهر به اسلام روی آوردند و قتیبه بن مسلم

مشوقانه مقرر کرد هر کس در نماز جمعه حاضر شود دو درهم بدهم. از طرفی اجباری به خواندن نماز به عربی نبود بلکه مردم بخارا در اوایل اسلام آوردن «در نماز قرآن پیروسی خواندندی و عربی نتوانستندی آموختن» (نرشخی، ۵۷). با گسترش اسلام در ماوراءالنهر و توسعه مکاتب فقهی، آن سامان به پیرو فقه حنفی شد.

فقه حنفی که یکی از وسیع‌المشرب‌ترین فقه‌های اسلامی است که بر رأی و قیاس تأکید فراوانی داشت. فقهای حنفی چون قاضی ابویوسف دارای نظرات اقتصادی عمومی و حکومتی بود که بصورت عملی فقه حنفی را درگیر مسائل و موارد اقتصادی عینی نمود. او گویا با علاقه فراوان به درخواست خلیفه عباسی برای ارائه طرح اقتصادی، اداره امپراطوری دست زد و کتاب الخراج حاصل این درخواست و پاسخ بود (نک: قاضی ابویوسف، ۱۳۹۹، مقدمه مترجم، ۱۵ به بعد). رویه و شیوه شاگردان ابوحنیفه بر خلاف خود وی که با حاکمیت اموی و عباسی سر ناسازگاری داشت، همکاری با خلافت عباسی بود. اینکه فقه حنفی با این سابقه در ماوراءالنهر گسترش یافت که چگونگی و چرایی آن خود بحث دیگری را می‌طلبد. (جهت اطلاعات بیشتر از گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر نک: ضیایی و عزیز، ۱۳۹۰، ۷۵-۹۶). از همان ایام ابوحنیفه مناطقی در شرق عالم اسلامی از جمله شهر بلخ به فقه حنفی روی آوردند و به تصریح صفی‌الدین بلخی دانش‌آموزان بلخی جز درس فقه ابوحنیفه در درس دیگری حاضر نمی‌شدند و مردم بلخ جملگی بر مذهب او بودند (صفی‌الدین بلخی، ۱۳۵۰، ۲۸ به بعد). نزدیکی بلاد بلخ به ماوراءالنهر و از جمله شهر بخارا و سمرقند در نفوذ فقه حنفی در آن دیار که خود نیز دارای قاضیان و علمای پیرو فقه حنفی بود، پیشرفت درهم تنیده گسترش فقه حنفی را رقم زد. از این رو، شهر بخارا و سمرقند به کانون فقه حنفی تبدیل گردید (پیرانشاهی، رحمان و دیگران، ۱۴۰۱، ۷۵ به بعد). فقه وسیع‌المشرب حنفی تأییرات خاصی در فرهنگ دینی ماوراءالنهر داشت چرا که رویه غیر سختگیرانه حنفی‌ها که با مرجئه در مواردی گره خورده بود، نوعی تساهل را رقم زدند (ضیایی و عزیز، همان). در فقه حنفی موارد زیادی از تساهل و تسامح وجود داشت و همچنین واقع‌گرایی و عقلی بودن فقه حنفی، توجه به حقوق زنان، ذمیان و تازه مسلمانان ترک، آسان‌گیری فقه حنفی به ویژه در احکام مرتبط با اقلیت‌های کم‌برخوردار، استعداد فراوان فقه حنفی در اهتمام ویژه به عرف، قیاس و استحسان در توسعه آن نقش خاصی ایفا کرد (ضیایی و عزیز، ۱۳۹۱، ۳۳ به بعد). حال با این رویکرد تلاش شاگردان با واسطه ابوحنیفه و ظهور علمای مشهوری چون حکیم سمرقندی، ابوحفص کبیر و صغیر در ماوراءالنهر فقه حنفی را با کامیابی‌های مواجه کرد و حاکمان سامانی نیز به فقه حنفی

اعتقادی راسخ داشتند. بدینسان با توجه به بافتار و ماهیت جامعه اهل تساهل و تسامح ماوراءالنهر و گسترش فقه حنفی که خالی از استعداد آزادمنشی با توجه به اتکاء به رای، عرف، قیاس و استحسان نبود و همچنین ضلع سوم موضوع حاکمیت مردم دار و نسبتاً عادلانه سامانیان (ابن حوقل، همان، ۱۸۹-۱۹۹) را باید لحاظ کرد که در مجموع موجبات گسترش امنیت اجتماعی و به تبع رفاه اقتصادی و رونق حیات مادی آن سامان گردید.

از طرفی فقه های حنفی تأثیر خاصی در گسترش زبان فارسی گذاشتند که نشان از رویه سهلگیرانه آنها داشت. آنها بودند که ترجمه متون تفسیر قرآن و سایر متون اسلامی جایز شمردند. در مقدمه ترجمه تفسیر طبری آمده است:

و این کتاب تفسیر بزرگست از روایت محمد بن جریر الطبری رحمه الله علیه ترجمه کرده به زبان پارسی و دری... و این کتاب را بیاوردند... سوی امیر سید مظفر ابوصالح منصور بن نوح... پس دشخوار آمد بر وی خواندن کتاب... پس علما ماوراءالنهر را گرد آورد و از ایشان فتوی کرد که روا باشد که ما این کتاب را به زبان پارسی گردانیم گفتند روا باشد... اینجا بدین ناحیت زبان پارسی و ملوکان این جانب عجم اند « این کار به سال ۳۴۵ هـ. ق. رخ داد (ترجمه تفسیر طبری، ۱۳۵۶، ۵-۶).

از نظر اعتقادی و گرایش های کلامی باید از جهم بن صفوان یاد کرد که گذشته از چهره ای سیاسی و ضد اموی و متکلمی مشهور بود که مسائل کلامی زیادی را در ماوراءالنهر مطرح کرد. آنچه که در راستای بحث اهمیت دارد، آن است که جهم بن صفوان در مسائل کلامی و اعتقادی نظریاتی عقل گرایانه داشت. ملل و نحل نویسان به کرات از سر نقد ورد از جهم بن صفوان یاد کرده اند که نشان از گستره آرائی و نظریات اوست (اشعری، ۱۳۹۷، ق، ۱۴۳ به بعد؛ شهرستانی، ۱۳۶۱، ج ۱/۱۱۱ به بعد).

کلام خرد گرایی ماتریدیه که به اختیار و آزادی انسان معتقد بود (نک: علی، ۱۳۱۳۶۲، ۳۶۷ به بعد) اصول کلامی حنفیان را در ماوراءالنهر شکل داد که در این روند متساهلانه نقش ایفا کرد. با این حال جامعه حنفی - ماتریدی ماوراءالنهر سخت به سنت اسلامی پایبند بودند، آنها بجد بر پابندی و الزام به شریعت پای فشرند و فتاوی ابوحنیفه تأثیر خاصی در چنین رویکردی داشت (ضیایی و عزیزی، ۸۵-۸۶). از این رو علمای بسیار بزرگ و متشرعی در آنجا ظهور کرد و مهمترین کتاب صحیح حدیثی اهل سنت یعنی صحیح بخاری در آن دیار جامه تألیف بخود پوشید. از نخستین کتاب های اعتقادی یعنی سواد الاعظم حکیم سمرقندی از ائمه حنفی واز

چرایی و زمینه های شکوفایی حیات مادی و ... (علی سالاری شادی) ۱۶۷

شاگردان ابومنصور ماتریدی به امر امیر اسماعیل سامانی تألیف و سپس به فارسی ترجمه گردید (حکیم سمرقندی، ۱۳۴۸، ۱۷-۱۹)،

بستر اسلامی و رویکرد خلافت عباسی که واگذاری حاکمیت به مردم محل در یک نظام و سیستم دیوانسالاری بود، را نباید فراموش کرد که آن زمینه ساز ظهور سامانیان گردید. سامانیان با واسطه طاهریان از درون سیستم اداری - سیاسی عباسیان سر بر آورند و تا اینکه معتمد خلیفه عباسی حاکمیت سراسر ماوراءالنهر را به سامانیان واگذار نمود (نک: جوزجانی، ۱۳۶۳، ج ۲۰۱/۱ به بعد؛ خواند میر، ۱۳۶۳، ج ۳۵۳/۲). بدینسان، سامانیانی مراحل ترقی را نه با یک قوه قهریه نظامی بلکه در بستر دیوانسالاری عباسی طی کردند و به مقام حاکمیت در ماوراءالنهر رسیدند. این نکته بسیار مهمی در روند اوضاع آن منطقه بود که در بستری بدون تنش به سوی یک حاکمیت سازگارانه پیش رفت.

در واقع ریشه های تاریخی تساهل و تسامح در ماوراءالنهر خود را بروز داد. سامانیان بدون آنکه رویکرد شدید نظامی بخود بگیرند و بدون درگیری با بستر موجودی که خود از آن برخاسته بودند با رعایت و حفظ تعادل و ممانعت محلی (فرای، همان، ۲۱۹-۲۲۰) حاکمیتی مداراگونه و با خرد ورزی که پیشینه دور و درازی در آن داشتند، ایجاد کردند. سامانیان بر اساس همان خلق خوی ماوراءالنهری که گویی کار تجارت میکردند، حامیان و مبلغان صادق اسلام شدند. آنها مسلمانان سنی (حنفی) راسخ اعتقادی بودند (تاریخ کمبریج، ۴، ۱۳۴). حتی محققى با اغراق می نویسد که سامانیان اسلام را به فرهنگ و جامعه جهانی مبدل کردند (کمبریج، ۴، ۱۲۸).

۵. نتیجه گیری

موقعیت جغرافیایی و تنوع معیشت گوناگون شهری ماوراءالنهر با اتکاء به معادن و صنایع و بازرگانی، روستاییان با تکیه بر کشاورزی و باغداری و زندگانی عشایری بر اساس پرورش احشام و اغنام در منطقه به هم پیوسته ماوراءالنهر که سرزمین آن توسط رودهای سیحون و جیحون احاطه و توسط رودهای داخلی مشروب می گشت، به شکل بارز و مؤثری یک نظام اقتصادی فعال و بهم پیوسته شهری، روستایی و عشایری که همدیگر را تکمیل می کردند، ایجاد کرده بود. همین مجموعه بهم پیوسته باعث افزایش سطح رفاه اقتصادی و ثروت مادی آن سامان گردید. این سطح از توان اقتصادی و بالندگی حیات مادی موجبات رفاه عام اقتصادی در جامعه ماوراءالنهر شده بود، بگونه ای که حاکمیت های آن سامان نیز از ثروت و مکنت

خاصی برخوردار بودند و در راستای رفاه عام مردم، به کارگزاران خود توجه بیشتر بنمایند. از طرفی این حجم از ثروت و توان مادی در منطقه باعث گردید تا مردم دست به سخاوت و احسان گشایند و به عمران و آبادی بیشتری دست زنند و عمارت‌ها و امکانات رفاهی زیادی را در سطح جامعه فراهم نمایند تا همگان از آن بهرمنند گردند. این بررسی نشان می‌دهد که اوضاع اقتصادی و معیشتی بالا در چندگانگی فعالیت‌های اقتصادی با توجه به شرایط متعدد جغرافیایی و منطقه‌ای حاصل می‌گردد که ماوراءالنهر در قرون نخستین اسلامی به دست آمده بود. گذشته از آن عوامل، حیات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ماوراءالنهر نقش خاصی در بالندگی اقتصادی آن ایفا کرد چرا که این سرزمین تاجر پیشه و پر آب دچار حاکمیت استبدادی - طبقاتی و انحصاری نگردید.

کتاب‌نامه

- ابن بطوطه (۱۳۷۰) *سفرنامه*، ترجمه محمد علی موحد، تهران، نشر آگاه.
- ابن حوقل (۱۳۶۰)، *سفرنامه*، ترجمه جعفر شعار، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ابن رسته، احمد بن عمر (۱۳۶۵) *الاعلاق النفیسه*، ترجمه و تعلیق حسین قره چانلو، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ابویوسف قاضی (۱۳۹۹)، *الخراج*، مقدمه و ترجمه سید محمد رحیم ربانی زاده، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- اشپولر، برتولد (۱۳۷۳)، *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*، ترجمه مریم میر احمدی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- اشعری، ابوالحسن (۱۳۹۷)، *الابانه عن الاصول الدیانه*، تقدیم و تحقیق حسین حمود، القاهر، کلیه البنات جامعه عین الشمس.
- اصطخری، ابواسحق ابراهیم (۱۳۶۸) *مسالک و ممالک*، به اهتمام ایرج افشار، تهران، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- بارتولد، و (۱۳۶۶) *ترکستان‌نامه*، ترجمه کریم کشاورز، تهران، مؤسسه انتشارات آگاه.
- باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۷۸) *تاریخ غزنویان*، مترجم حسن انوشه، تهران، انتشارات امیرکبیر.
- بای-شو-یی، جمال الدین حسینی، محمد علی (۱۳۷۶) «سهم مسلمانان چین در تمدن»، *مشکوئه: بهار و تابستان*، شماره ۵۴ و ۵۵.
- بیرونی، ابوریحان محمد بن احمد، *آثار الباقیه*، ترجمه اکبر داناسرشت، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۳.

چرایی و زمینه های شکوفایی حیات مادی و ... (علی سالاری شادی) ۱۶۹

پیرانشاهی، رحمان و دیگران (۱۴۰۱)، «سامانیان و ماوراءالنهر»، مجله مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، تابستان ۱۴۰۱ - شماره ۴۵، صفحه - از ۷۵ تا ۸۸.

تورسان زاده، نذیر جان (۱۳۷۷) «شهرهای ماوراءالنهر در دوران سامانیان»، مجله خراسان پژوهی سال اول پاییز و زمستان، شماره ۲، صص ۱۴۴-۱۶۸.

حکیم سمرقندی، (۱۳۴۸)، اسحاق بن محمد، السواد الاعظم، ترجمه فارسی، باهتمام عبدالحی حبیبی، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ.

خواند میر (۱۳۶۳) حبیب السیر، بکوشش دبیر سیاقی، تهران، انتشارات خیام.

جوزجانی، منہاج سراج (۱۳۶۳) طبقات ناصری، مقدمه و تعلیقات عبدالحی حبیبی، تهران، دنیای کتاب.

جوینی، عظاملک (۱۳۹۱)، جهانگشای، تصحیح محمد قزوینی، تهران، انتشارات آگاه.

حدود العالم، (۱۳۶۲) بکوشش منوچهر ستوده، تهران، کتابخانه طهوری.

خلیلی پور، نازنین (۱۳۹۵)، سغد، حلقه اتصال چین با ایران پیش از اسلام، مجله تاریخ روابط خارجی (علمی-ترویجی)، پاییز و زمستان، شماره ۶۸ و ۶۹.

جیهانی، ابوالقاسم بن احمد (۱۳۶۸) اشکال العالم، ترجمه علی بن عبدالسلام کاتب، با مقدمه و تعلیقات فیروز منصور، مشهد، شرکت به نشر آستان قدس رضوی.

سلیمان تاجر سیرافی و ابوزید حسن سیرافی (۱۳۸۱) اخبار الصین و الهند، ترجمه حسین قرچانلو، تهران، انتشارات اساطیر.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم، (۱۳۶۱) الملل والنحل، ترجمه مصطفی خالقداد هاشمی، مقدمه جلالی نائینی، تهران، انتشارات اقبال.

صادقیان خوری، وجیهه، (۱۳۷۷)، «ازبکستان» مجله آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۲، ۲۳۱.

صفی الدین بلخی، (۱۳۵۰) فضائل بلخ، ترجمه عبدالله بن محمد حسینی بلخی، تهران، چاپ عبدالحی حبیبی.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۶۸) تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، انتشارات اساطیر.

طبری، محمد بن جریر (۱۳۵۶)؛ ترجمه تفسیر طبری، به تصحیح و اهتمام حبیب یغمایی، انتشارات توس.

ضیایی، محمد عادل، عزیزی ف موسی (۱۳۹۱) « علل گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر تا پایان عصر سامانیان»، پژوهشنامه تاریخ اسلام سال دوم پاییز، شماره ۷، صص ۳۳-۶۰.

ضیائی، محمد عادل؛ عزیزی، موسی (۱۳۹۰)، «تأثیر هم‌منظری ابوحنیفه و مرجئه در گسترش فقه حنفی در ماوراءالنهر»، پژوهشنامه تاریخ اسلام پاییز، شماره ۳، صص ۷۵ تا ۹۶.

۱۷۰ پژوهش‌نامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، سال ۱۱، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۴۰۱

- علی، ایوب (۱۳۶۲) «ماتریدیه»، تاریخ فلسفه در اسلام، ج ۱، بکوشش م.م. شریف، تهران، نشر مرکز دانشگاهی.
- فرامکین، گرگوار (۱۳۷۲)، *باستانشناسی در آسیای مرکزی*، ترجمه صادق ملک شهیمزادی، تهران، انتشارات وزارت خارجه.
- فرای، ریچارد (۱۳۷۵) *عصر زرین فرهنگ ایران*، ترجمه مسعود رحب‌نیا، تهران، انتشارات سروش.
- فرای، ریچارد (۱۳۶۵) *بخارا دستاورد قرون وسطی*، ترجمه محمود محمودی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- قریب، بدرالزمان (۱۳۷۶)، *سغدیها و جاده ابریشم*، *بیران شناخت*، تابستان شماره ۵.
- قزوینی، زکریا بن محمد (۱۳۷۱) *آثار البلاد و اخبار العباد*، مترجم محمد بن عبدالرحمان، تصحیح سید محمد شاهمرادی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- لسترینج، گای (۱۳۷۷) *جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی، ۱۳۷۷.
- لقمان نعمت اف، نعمان نعمت اف (۱۳۸۲) «کشاورزی و تولیدات معدنی در ماوراءالنهر و خراسان در قرون ۳ و ۴»، *کتاب ماه علوم و فنون*، شماره ۶۱ و ۶۲، صص ۴۶-۵۳.
- لقمان نعمت اف، نعمان نعمت اف (۱۳۸۲) «ویژگی های ساختار و تولیدات روستاهای ماوراءالنهر در عصر سامانیان در قرون ۳ و ۴»، *کتاب ماه علوم و فنون*، خرداد، شماره ۶، صص ۳۹-۴۳.
- مبینی، مهتاب؛ ابراهیم زاده، فرزاد؛ نوروزی، بهمن (۱۳۹۱) اهمیت جاده ابریشم در هنر ایران، *مجله هنر و معماری*، بهار و تابستان، شماره های ۸۵ و ۸۶.
- مقدسی، ابو عبدالله (۱۳۶۱)، *حسن التقاسیم فی معرفه الاقلیم*، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان.
- هروی، قاسم بن یوسف (۱۳۹۰) *ارشاد الزرعه*، باهتمام محمد مشیری، تهران، دانشگاه تهران.
- یاقوت حموی (۱۹۷۷م)، *معجم البلدان*، بیروت، دارصادر.
- یعقوبی، احمد بن یعقوب (۱۳۸۷)، *البلدان*، ترجمه محمد ابراهیم آیتی، تهران، انتشارات معین.
- نرشخی، ابوبکر محمد بن جعفر (۱۳۶۳) *تاریخ بخارا*، ترجمه ابونصر قباوی، تلخیص محمد بن زفر، تصحیح مدرس رضوی، تهران، انتشارات توس.
- هاوسینگ، هانس ویلهلم (۱۳۹۳)، *تاریخ آسیای میانه و جاده ابریشم*، جلد دوم، ترجمه مریم میر احمدی و غلامرضا ورهرا، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.